فصل‌نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال سیزدهم، شماره پنجاه‌ودوم، زمستان ۱۴۰۲
مقاله پژوهشی، صفحات ۷۵-۹۲

حقیقت در دام سیاست:
نقش شُرَحبیل بن سِمط در شورش مردم شام علیه امام علی علیه‌السلام

سید محمدرحیم ربانی‌زاده[۱]

چکیده

پس از خلافت امام علی علیه‌السلام، معاویه با توسل به ابزارهای سیاسی و بهره‌گیری از اختلافات موجود، تلاش کرد تا مردم شام را به اتهام قتل عثمان علیه امام علی علیه‌السلام بشوراند. شرحبیل بن سمط کندی، حاکم حمص در شوراندن مردم نقش مؤثری ایفا کرد. مسئله اصلی پژوهش عوامل مؤثر بر جذب شرحبیل به صف مخالفان امام علی علیه‌السلام و نقش او در غائله شام است؟ این پژوهش با بهره‌گیری از منابع دست اول تاریخی و با روش توصیفی_تحلیلی نشان می‌دهد که معاویه با بهره‌گیری از اختلافات شخصی میان شرحبیل و جریر بن عبدالله بجلی، سفیر امام علی علیه‌السلام در شام و همچنین با شهادت دروغ مبنی‌بر دست داشتن امام علی علیه‌السلام در قتل عثمان، شرحبیل را متقاعد کرد تا به صف مخالفان امام بپیوندد. شرحبیل با القای این باور که امام علی علیه‌السلام عامل اصلی قتل عثمان است، نقش تعیین‌کننده‌ای در شورش مردم شام علیه امام ایفا کرد. یافته‌های مقاله همچنین نشان می‌دهد که ابزارهای سیاسی و تبلیغاتی در شکل‌دهی رویدادهای تاریخی تأثیرگذار هستند.

کلیدواژه‌ها: امام علی علیه‌السلام، خونخواهی عثمان، شُرَحبیل بن سَمط، عمرو بن عاص، معاویه.

۱. استادیار پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. rabbanizade@ihcs.ac.ir
تاریخ دریافت: ۰۲/۰۹/۱۱ تاریخ پذیرش: ۰۲/۱۱/۲۰

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.5]

Truth in the Trap of Politics: The Role of Shuraḥbīl ibn Simṭ in the Revolt of the People of Sham (Syria) Against Imam Ali (AS)

Seyyed Mohammad Rahim Rabbani Zadeh[1]

Abstract

After the caliphate of Imam Ali (AS), Muʿāwiya, by utilizing political tools and exploiting existing disagreements, sought to incite the people of Sham (Syria) against Imam Ali (AS) under the pretext of the murder of ʿUthmān. Shuraḥbīl ibn Simṭ al-Kindi, the governor of Ḥimṣ, played a significant role in instigating the people. The main research question is: What are the factors that influenced Shuraḥbīl to join the ranks of Imam Ali's (AS) opponents, and what was his role in the events in Sham (Syria)? This research, using primary historical sources and a descriptive-analytical method, shows that Muʿāwiya convinced Shuraḥbīl to join the opposition against Imam Ali (AS) by exploiting personal conflicts between Shuraḥbīl and Jarir ibn Abdullah Bajali, the ambassador of Imam Ali (AS) in Sham, as well as through false testimony implicating Imam Ali (AS) in ʿUthmān's murder. Shuraḥbīl played a decisive role in the revolt of the people of Sham (Syria) against Imam Ali (AS) by promoting the belief that Imam Ali (AS) was the main culprit behind ʿUthmān's murder. The findings of the article also indicate that political and propaganda tools significantly influence the shaping of historical events.

Keywords: Imam Ali (AS), ʿUthmān's blood vengeance, Shuraḥbīl ibn Simṭ, ʿAmr ibn al-ʿĀṣ, Muʿāwiya.

1. Assistant Professor, Research Institute of History, Human Sciences and Cultural Studies Research Center, Tehran, Iran. rabbanizade@ihcs.ac.ir

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.5]

درآمد

پس از قتل خلیفه سوم، معاویه حاکم شام از بیعت با امام علی علیه‌السلام امتناع ورزید و تصمیم گرفت با استفاده از تمام امکانات و نفوذ افراد مؤثر، در برابر امام بایستد و وارد جنگ شود. یکی از این افراد، عمرو بن عاص بود که از باهوش‌ترین افراد عرب شناخته می‌شد (مسعودی، ۷۵۳/۱). معاویه او را از فلسطین به شام فراخواند تا از مشاوره او بهره‌مند شود. عمرو بن عاص در ازای همکاری با معاویه، درخواست حکومت مصر را داشت و معاویه این شرط را پذیرفت (دینوری، ۱۹۵؛ ثقفی کوفی، ۱۳۸). عمرو بن عاص به معاویه پیشنهاد داد تا شرحبیل بن سمط کندی، والی حمص را به‌سبب اختلاف و دشمنی با جریر فرستاده امام علی علیه‌السلام به شام دعوت کند. طرح عمومی عمرو بن عاص آن بود که با ایجاد فضایی تبلیغاتی و متهم کردن امام به قتل عثمان، افکار عمومی مردم شام را به نفع معاویه تغییر دهد. شرحبیل طی یک فرایندی ضمن موافقت با پیشنهاد معاویه وارد عمل شد، و با سفر به شهرهای مختلف با استفاده از توان و نفوذ کلام خود، توانست گروه‌هایی از مردم شام را علیه امام علی علیه‌السلام بشوراند.

نوشتار حاضر به‌دنبال نشان دادن چگونگی کاربست شیوه‌های رسانه‌ای و ابزارهای تبلیغاتی در انحراف افکار عمومی و بسیج توده‌ها در جهت پیشبرد اهداف سیاسی است؛ از این‌رو حقیقت می‌تواند با بازنمایی‌های دروغین به شکل امر ناهنجار جلوه نماید و توده‌های مردم را علیه آن بسیج کند.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش مستقل و جامعی در خصوص علل نقش شرحبیل بن سمط کندی در بسیج مردم شام صورت نگرفته است. در میان پژوهش‌های انجام شده، می‌توان به مقاله *دانشنامه جهان اسلام* نوشته دهقانی (۱۳۹۸ش) اشاره کرد. این مقاله به‌طور مختصر به شرح حال شرحبیل و برخی از اقدامات او در خصوص نحوه حضورش در برخی جنگ‌های صدر اسلام و همراهی با معاویه در جنگ صفین اشاره کرده است. آنچه جایش در پژوهش مذکور خالی مانده، بررسی جامعی در خصوص، چگونگی و علل دعوت از شرحبیل و فریب و اغوای ایشان، با متهم کردن امام علی علیه‌السلام به قتل عثمان و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.5]

عدم اشاره به سیر تاریخی دشمنی جریر بن عبدالله بجلی با شرحبیل است و اینکه چـرا و چگونه عمرو بن عاص پیشنهاد دعوت از شرحبیل را به معاویه داد؟ مستمسک عمرو بن عاص به‌غیر از دشمنی و کدورت میان شرحبیل و جریر و اتهام قتل عثمـان بـه امـام علی علیه‌السلام چه بود؟ دشمنی شرحبیل با جریر تا چه اندازه در ماجرای بسـیج شـام توسـط شرحبیل موثر بود؟ از سوی دیگـر تناقضـات رفتـاری و عملکـرد دوگانـه شـرحبیل در خصوص پذیرش و یا عدم پذیرش گواهی افراد گوناگون در خصوص واقعه قتل عثمان چگونه اسـت؟ اینکـه جریـر در راسـتای ماموریـت خـود در مواجهـه بـا شـرحبیل در خصوص رفع کـدورت‌هـای گذشـته و انکـار نقـش امـام علـی علیه‌السلام در قتـل عثمـان و تأثیرگذاری مقطعی بر شرحبیل تا چه اندازه موفـق بـوده؟ اینهـا مـواردی اسـت کـه در پژوهش حاضر به آن پرداخته می‌شود.

زندگی و زمانه شُرَحبیل

شرحبیل بن سمط کندی از بزرگان قبیله یمنی کنده بود. وی پس از ظهور اسلام به پیـامبر ایمان آورد و همواره در اطاعت ایشان بود (ابن اعـثم کـوفی، ٤٧٣؛ ابـن عسـاکر، ١٣٤/٥٩). شرحبیل به دلیل تقوا، شجاعت و حسن اخلاق، از شهرت و احترام برخوردار بود. در مـورد اینکه شرحبیل پیامبر را درک کرده یا خیر، اخـتلاف نظـر وجـود دارد (ثقفـی کـوفی، ١٣٩). برخی از متقدمین مانند بخاری (*تاریخ الکبیر*، ٢٤٨/٤)، او را از صحابه دانسته‌اند؛ در حالی‌کـه برخی دیگر او را در زمره تابعین قـرار داده‌انـد (ابـن حبـان، ١٨٧/٣؛ ابـن حجـر عسـقلانی، ٢١٧/٣). ابن اثیر (*اسدالغابه*، ٣٦٢/٢) نیز بر این باور است کـه شُـرحبیل رسـول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله را درک کرده است. ثقفی کوفی (١٣٩) دلیل اصلی اختلاف نظر در این مـورد را تـلاش برخـی برای تقویت جایگاه سیاسی معاویه دانسته‌اند؛ زیرا شُرحبیل را در شمار صحابه شـمردن، بـه اعتبار معاویه می‌افزود. به‌نظر می‌رسد جدای از دعاوی‌های مختلف، شرحبیل به‌واسـطه نفـوذ و مقبولیتی که در دوره خود در میان اعراب مسلمان شام داشته، احتمالاً زمانه پیـامبر را درک کرده بود وگرنه تقلای معاویه برای به یاری طلبیدن او که مبتنی‌بر اعتبار جایگـاه وی اسـت، بی‌ثمر می‌بود. ذهبی (٦٢١/٣) نیز معتقد است شرحبیل از پیامبر اکـرم، خلیفـه دوم و سـلمان

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.5]

فارسی حدیث روایت کرده است. زمانی‌که بخشی از اهل یمن مرتد شدند و هم قبیلگی‌های او و به تبع آن یمنی‌ها از دین اسلام برگشتند (ابن حجر عسقلانی، ۲۱٦/۳)، وی هم‌چنان بر دین اسلام باقی ماند (طبری، ۱٤۷۰/٤) و در عنفوان جوانی در جنگ با مرتدان شرکت کرد (همان، ۱٦٤۱/٤). به‌همین سبب او از شجاعان عرب به‌شمار می‌رفت. او در جنگ‌های اعراب با ایران از جمله قادسیه حضور داشت و گذشته از شجاعت، فردی کاردان و اهل سیاست نیز بود؛ از این‌رو به‌عنوان سفیر از سوی سعد بن ابی‌وقاص به دربار یزدگرد فرستاده شد (مقدسی، ۸۵۰/۲). در جنگ قادسیه سعد بن ابی وقاص، شرحبیل بن سمط کندی را بر میسره لشکر گماشت (طبری، ۱٦٤۰/٤). او خیلی زود جایگاه والایی کسب کرد و از نظر اعتبار و نفوذ، حتی از اشعث کندی که از بزرگان قبیله کنده بود، پیشی گرفت (همان، ۱٦٤۱/٤). در مورد اینکه شرحبیل توسط چه کسی به حکومت مدائن منصوب شد، اختلاف نظر وجود دارد. برخی منابع تاریخی، از جمله طبری (۱۷۵٦/۵) حکایت از آن دارند که شرحبیل به فرمان سعد بن ابی وقاص به حکومت مدائن منصوب شد اما بیهقی (۲۱۳/۹) حکومت او بر مدائن را به خلیفه دوم نسبت می‌دهد. به دنبال گزارش‌هایی که از سوی جریر بن عبدالله بجلی، رابط سپاه مستقر در قادسیه، به خلیفه دوم رسید، شرحبیل بن سمط کندی از عراق فراخوانده شد (ابن اثیر، *کامل*، ٤۱/۱۰). اگر گزارش ابن اثیر را در این خصوص بپذیریم او احتمالاً مدت کوتاهی در مدائن مسئولیت داشته است و در ادامه با توجه به درخواست پدر شرحبیل از خلیفه دوم برای جدا نشدن فرزندش از او، شرحبیل پس از مدتی کوتاه، به دستور خلیفه دوم به شام منتقل (بیهقی، ۲۱۳/۹؛ ابن اثیر، *کامل*، ٤۱/۱۰) و پس از آن به‌عنوان والی حمص انتخاب شد (ابن حجر عسقلانی، ۲۱۷/۳).

در مورد چگونگی فتح حمص، اختلاف نظر وجود دارد. برخی مورخان، از جمله بلاذری (*فتوح البلدان*، ۱۸۹)، نقل کرده‌اند که سمط بن اسود کندی با اهل حمص صلح کرده بود و پس از آن، ابوعبیده بن جراح این صلح را تأیید کرد. طبری (۱۷۵۵/۵) فتح حمص را به حنظله بن طفیل سلمی نسبت داده است. با این حال، برخی دیگر از مورخان فاتح شهر حمص را شرحبیل بن سمط کندی می‌دانند (ابن حجر عسقلانی،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.5]

۲۱۷/۳؛ ثقفی کوفی، ۱۳۹).

شرحبیل از افراد مورد علاقه معاویه بوده و به فرمان او به حکومت حمص منصوب و به مدت بیست سال حکمرانی کرد (ذهبی، ٦۲۱/۳؛ ابن اثیر، *اسدالغابه*، ۳٦۲/۲). در خصوص تقسیم زمین‌های حمص، بلاذری (*فتوح البلدان*، ۱۸۹) آورده است که سمط، حمص را به بخش‌هایی میان مسلمانان تقسیم کرد تا در آنها منزل گزینند. از سوی دیگر، ابن سعد (٤٥٤/۷) تقسیم زمین‌های حمص را به شرحبیل بن سمط کندی برای بار دوم و شایدآخرین بار در دوران خلافت عثمان نسبت می‌دهد. بخاری (*التاریخ الکبیر*، ۲٤۸/٤) هم به تقسیم زمین توسط شرحبیل بدون زمان مشخصی اشاره کرده است. با توجه به اینکه مدت حکمرانی او بر حمص بیست سال بوده، می‌توان نتیجه گرفت که وی احتمالاً از حدود سال ۲۰ هجری به شام رفته و به حکومت حمص منصوب شده‌است. شرحبیل دو سال پس از جنگ صفین در سال ٤۰ هجری درگذشت (زرکلی، ۱۵۹/۳) و حبیب بن مسلمه بر وی نماز خواند (بخاری، *تاریخ اوسط*، ۱۲۹/۱).

چگونگی ورود شرحبیل به منازعات سیاسی در شام

پس از قتل عثمان، معاویه نسبت به خلافت امام علی علیه‌السلام به بهانه‌های مختلف موضع‌گیری و مقابله کرد و حاضر به اطاعت از ایشان نشد. از این‌رو، نامه‌هایی میان امام و معاویه رد و بدل شد. یکی از این نامه‌ها را جریر بن عبدالله بجلی به‌عنوان نماینده امام علی علیه‌السلام برای معاویه آورد. این نامه عرصه را بر معاویه تنگ کرد. معاویه درباره جواب نامه امام و چگونگی بازگرداندن جریر و نحوه اخذ بیعت مردم شام با عمرو بن عاص مشورت کرد. او به معاویه توصیه کرد با توجه به اینکه خبر بیعت مردم عراق با علی از سوی بهترین سفیر برای تو رسیده است (دینوری، ۱۹۷) و همچنین این سفیر از سوی بهترین مرد جهان برای بیعت آمده است (ابن مزاحم منقری، ۷۰)؛ بنابراین دعوت مردم شام به خلافت، امری بسیار خطرناک و مخاطره‌آمیز است (دینوری، ۱۹۷؛ ابن مزاحم منقری، ۷۰). عمرو بن عاص در ادامه، عدم بیعت با علی علیه‌السلام را امری نادرست به‌شمار آورد و از آنجایی که سیاس و با تجربه بود برای توجیه عدم بیعت راهکار جدیدی ارائه کرد (ابن اعثم کوفی، ٤۷۰). وی به معاویه توصیه کرد تا با

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.5]

تدارک برنامه‌ای، بزرگان و مردم شام را آماده و دل‌های آنان را با خود همراه کند (دینوری، ۱۹۷). سپس خون عثمان را به گردن علی بیندازد (مسعودی، ۷۳۰/۱). تا بزرگان و مردم شام یقین پیدا کنند که علی علیه‌السلام در کشتن عثمان دست داشته است (دینوری، ۱۹۷). پس از جلب اعتمادشان با مدد آنان با علی علیه‌السلام وارد جنگ شود (مسعودی، ۷۳۰/۱).

از آنجا که فریب و همراهی مردم در ماجرای قتل عثمان به آسانی امکان‌پذیر نبود باید به شکل کاملاً حساب شده‌ای برنامه‌ریزی شود تا بتوانند باطل را لباس حقیقت بپوشانند. آنان به اشخاصی نیاز داشتند که علاوه‌بر نفوذ کلام و حسن سیرت، توانایی تأثیرگذاری بر عوام و بزرگان را داشته باشند. بر همین پایه عمرعاص پیشنهاد داد تا شرحبیل بن سمط کندی که «سرور و بزرگ سادات شام» بود (دینوری، ۱۹۵) به‌سبب اختلاف و دشمنی با جریر فرستاده علی بن ابی طالب علیه‌السلام (ابن مزاحم منقری، ۷۰)، اهل شام را برای معاویه متحد و یکدل کند (ابن عساکر، ۱۳۳/۵۹). اگرچه ابن عساکر پیشنهاد دعوت از شرحبیل را به عتبه نسبت داده است (همان)؛ ولی با توجه به بررسی منابع قدیم‌تر علت انتخاب شرحبیل را به‌سبب دشمنی و اختلاف ایشان با جریر به عمرو بن عاص نسبت داده‌اند (ابن مزاحم منقری، ۷۰؛ ابن عساکر، ۱۳۳/۵۹؛ ابن حجر عسقلانی، ۲٦۷/۳؛ ابن اثیر، *کامل*، ٤۲/۱۰؛ ابن خلدون، ٦۱۹). بیشتر منابع روی این موضوع دشمنی شرحبیل با جریر اشتراک نظر دارند. در واقع همین سابقه دشمنی علت انتخاب شرحبیل توسط عمرو بن عاص بوده‌است.

عمرو بن عاص در راستای همان برنامه طراحی شده توصیه کرد تا قتل عثمان به مسئله‌ای تبدیل شود که نقش امام علی علیه‌السلام در آن پر رنگ باشد و «این کلمه [قتل عثمان] چنان شعاری است که تمام مردم شام را بر همان اساسی که دوست داری گردت جمع می‌کند، زیرا اگر سخنی را به دل شُرَحبیل نشاندید... به هیچ رو از دلش بیرون نرود» (ابن مزاحم منقری، ۷۰). بدین‌سان قتل عثمان تبدیل به مسئله و بحران اساسی علیه امام علی علیه‌السلام در شام شد و با متهم کردن حضرت به قتل عثمان و استفاده از تبلیغات منفی، عمرو بن عاص کوشید تا جنگ با امام را توجیه و مشروع جلوه دهد. از این‌رو، معاویه طی نامه‌ای شُرحبیل را به شام دعوت

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.5]

کرد (زکی صفوت، ٣٦٤/١) و با ایجاد فضایی تبلیغاتی، او را برای همکاری در این زمینه آماده کرد. برای تأثیر بر شرحبیل مردان موجه و سرشناسی (ابن اعثم کوفی، ٤٧٠) باید او را متقاعد سازند «که علی بن ابی طالب عثمان را کشته است» (دینوری، ١٩٨)؛ از این‌رو معاویه گروهی از بزرگان و سران قبایل و معارف شام، مانند یزید بن أنس، بسر بن أرطاه، حمزه بن مالک، حابس بن سعد الطائیّ، أبو الأعور السّلمیّ، عمرو بن سفیان و مخارق بن الحرث الزّبیدی، را که با علی علیه‌السلام عداوت داشتند فراخواند (دینوری، ١٩٨؛ ابن مزاحم منقری،٧٠؛ ابن عساکر، ١٣٣/٥٩؛ زکی صفوت،٣٦٤/١). این اشخاص ضمن تأثیرگذاری بر شرحبیل در ردیف خاصان و افراد مورد وثوق معاویه به‌شمار می‌رفتند. پس از حضور آنان در کاخ، معاویه، برای آماده‌سازی ذهن آنان، اوضاع شام را وخیم جلوه داد و طوری القاء کرد که در صورت عدم همکاری علی شام را تصرف خواهد کرد و به شکلی وانمود کرد که گویی برای رهایی از این مشکلات شُرحبیل را دعوت کرده است. و از بزرگان حاضر در مجلس خواست تا در پیش او به دروغ شهادت دهند که علی علیه‌السلام عثمان را کشته است تا شرحبیل را در دفع علی علیه‌السلام با خود همراه کنند (ابن اعثم کوفی، ٤٧٠). معاویه پس از اطمینان از همکاری بزرگان قبایل، توسط یزید بن اسد فهری نامه‌ای به این مضمون برای شرحبیل فرستاد: «علی بن ابی طالب جریر بن عبد الله البجلیّ را به رسالت نزد من فرستاده (همان، ٤٧١) و فرمانی ناگوار برای ما آورده است» (ابن مزاحم منقری، ٧٠). در ادامه گفت: «مرا به بیعت با خویشتن خوانده است. من جریر را نگاه داشته‌ام... تا از رأی تو اجازت نجویم، جریر را برنمی‌گردانم... در آمدن تعجیل نمای...» (ابن اعثم کوفی، ٤٧١).

شرحبیل پس از ملاحظه مفاد نامه با بزرگان قبیله کنده مشورت کرد. آنها وی را از همکاری با معاویه بر حذر داشتند (ابن مزاحم منقری، ٧٠؛ ابن عساکر، ١٣٤/٥٩). شرحبیل به مخالفت آنان اعتنایی نکرد ولی به‌سبب اینکه دچار شک و تردید شده بود با عبدالرّحمان بن غنم ازدی در خصوص همکاری با معاویه مشورت کرد (ابن مزاحم منقری، ٧٠). ابن غنم، شرحبیل را مورد لطف و محبت قرار داد و همراهی او را با پیامبر ستود. به‌نظر می‌رسد شرحبیل برای همراهی با معاویه برخی از دلایلش را به ابن غنم گفته است گرچه منابع به آن اشاره نکرده‌اند ولی ابن غنم گویا در جواب مشورت و یا سؤالات وی به برخی از

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.5]

شبهات او پاسخ داده است. ابن غنم برای اثبات مدعای خود و دروغ پنداشتن نقش علی علیه‌السلام در قتل عثمان به بیعت کبار صحابه و بزرگان مهاجر و انصار با امام اشاره کرد (ابن عساکر، ۱۳٤/۵۹). او ضمن اشاره به جایگاه خانوادگی شرحبیل وی را زنهار داد که فریب فضای مسموم جامعه مبنی‌بر قتل عثمان توسط علی علیه‌السلام نشود (ابن اعثم کوفی، ٤۷۳). در ادامه با آگاهی از اختلاف و دشمنی قبلی شرحبیل با جریر به یک نکته کلیدی و راهگشا اشاره کرد: اگر به کامیابی جریر در این مأموریت راضی نیستید، به کوفه روید و از سوی شام و قوم خود با علی بیعت نمایید (ابن مزاحم منقری، ۷۰). نصایح ابن غنم بر شرحبیل بی‌تأثیر بود. اشخاص دیگری مانند عیاض ثمالی شاعر، با شیوه‌های مختلف تلاش کردند شرحبیل را از تصمیمش منصرف سازند. عیاض با سرودن قصیده‌ای، شرحبیل را برای همراهی با معاویه مورد سرزنش قرار داد و او را از افتادن در تله دام مکر معاویه و عمرو بن عاص بر حذر داشت. عیاض ثمالی، شرحبیل را دعوت به بیعت با علی علیه‌السلام کرد و با لحنی بسیار تند عدم بیعت با امام را مصادف با بازگشت به دوره کفر و نفاق دانست. توصیه عیاض هم بر او تأثیری نداشت و شرحبیل عزمش را برای رفتن پیش معاویه جزم کرد (همان، ۷۳، ٤۵؛ ابن عساکر، ۱۳٤/۵۹). در خصوص علت پذیرش دعوت معاویه از سوی شرحبیل چند احتمال وجود دارد: الف) آن را وظیفه دینی خود می‌شمرد؛ ب) به دشمنی و رقابت پیشین او با جریر بن عبدالله بجلی بازمی‌گشت که ابن غنم و دیگران هم به آن اشاره کرده‌اند و ج) فارغ از مصداق‌های تاریخی موضوع، می‌تواند امری نفسانی مانند بها دادن و دیده شدن و مورد توجه قرار گرفته شدن باشد و این دیده شدن توسط معاویه در ملاقات با شرحبیل کاملاً ملموس است.

دامی برای شرحبیل

معاویه و عمرو بن عاص به‌منظور فریب و اغوای شرحبیل برنامه‌ای تدارک دیدند. هنگامی که وی نزدیک شهر رسید، مورد استقبال گرم بزرگان و رؤسای قبایل قرار گرفت (دینوری، ۱۹۸). پس از ورد به کاخ، معاویه او را در کنار خود نشاند و با تعریف و تمجید فراوان از وی موضوع دعوت از او را با ظرافت و زیرکی مطرح کرد (ابن اعثم

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.5]

کوفی، ٤٧٢) و چنین گفت: «جریراز سوی علی بن ابی طالب فرمانی ناگوار برای ما آورده است...» (ابن مزاحم منقری، ٧٠). برای تکمیل طرح و دوری از هر گونه ذهنیت‌سازی سخن را به گونه‌ای آغاز کرد تا شرحبیل موضوع را شخصی نپندارد و با او مخالفتی نکند؛ بنابراین با زیرکی و چرب زبانی شروع به ستایش از علی بن ابی طالب علیه‌السلام کرد: «در این‌که علی مردی... بزرگوار... و دیندار است شکی ندارم» (ابن اعثم کوفی، ٤٧٢). برای تکمیل پروژه روانی و آماده کردن ذهن وی به نکته‌ای کارساز برای تأثیرگذاری و پیشبرد اهدافش اشاره کرد: ولی «عثمان را که خلیفه وقت و شیخ اسلام بود کشته است»؛ به‌همین سبب جریر را نگه داشته، و جواب نامه علی را منوط به نظر شما دانسته‌ام (ابن عساکر، ١٣٤/٥٩). شرحبیل پاسخ معاویه را مشروط به تحقیق از بزرگان، در خصوص واقعه قتل عثمان کرد: «اگر دو نفر از معتمدان و مهتران شام در پیش من گواهی دهند که علی بن ابی طالب عثمان را کشته است، تو را در این سخن باور دارم...» (ابن اعثم کوفی، ٤٧٣). معاویه بر اساس طرح قبلی اشخاص مورد اعتمادش را برای فریب شرحبیل بر سر راهش قرار داد. او به هر یک از بزرگان شام که می‌رسید (دینوری، ١٩٨) «متفق اللفظ و متحد المعنی شهادت می‌دادند» (ابن اعثم کوفی، ٤٧٣) که علی بن ابی طالب علیه‌السلام، عثمان را کشته است. این سخن را آشکارا در مقابل چشمان شرحبیل چنان تکرار کردند (دینوری، ١٩٨) که او در شام صدایی جز مخالفت با علی علیه‌السلام و خونخواهی عثمان نشنید. شهادت دروغ تأثیر خود را بر شرحبیل گذاشت و او «... با کینه و عداوت و خشم فراوان پیش معاویه آمد» (همان، ١٩٨) و اظهار داشت که جماعتی از بزرگان نزد وی گواهی داده‌اند که علی عثمان را کشته است و نظر معاویه مبنی‌بر قتل عثمان توسط امام را تأیید کرد (ابن اعثم کوفی، ٤٧٣). در ادامه به معاویه گوشزد کرد چون «تو کارگزار و والی عثمان و عموزاده اویی برترین مردم برای خونخواهی او هستی» (بلاذری، *انساب الاشراف*، ٢٨٢/٢) و قسم خدا بر زبان جاری ساخت در صورت اهمال‌کاری در انجام خونخواهی عثمان (ابن حجر عسقلانی، ٧٤/٦) و بیعت با علی بن ابی طالب علیه‌السلام (دینوری، ١٩٨؛ ابن عساکر، ١٣٤/٥٩) او را عزل و شخص دیگری را جایگزین می‌کند (ابن مزاحم منقری، ٧٠).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.5]

شرحبیل در پایان معاویه را به خروج از شام (دینوری، ۱۹۸) و به قتل تهدید کـرد (ابـن مزاحم منقری، ۷۰). معاویه در حالی‌که به تمامی اهدافش در خصوص فریـب شـرحبیل رسیده بود، با زیرکی تمام به شرحبیل گفت به هر حـال مـن یـک نفـر از شـما هسـتم (دینوری، ۱۹۸) به هر امری راضی شـدید رضـایت دارم و از دسـتور شـما مخالفـت و سرپیچی نمی‌کنم (ابن عساکر، ۱۳٤/۵۹).

اقدامات تأثیرگذار معاویه در بدو ورود شرحبیل به شام و مشورت ایشان با بزرگان و معتمدان به‌گونه‌ای اجرا شد که شرحبیل به صراحت از معاویه درخواست کرد تـا «نظـر جریر را مبنی‌بر بیعت نپذیرد» (ابن حجر عسقلانی، ٧٤/٦). شرحبیل در ادامـه گفـت بـه شدت با علی دشمنی ورزید و به چیزی جز جنگ قـانع نشـوید (ابـن اثیـر، *اسـدالغابه*، ٣٦٢/٢) و به این هم بسنده نکرد و قسم خدا بر زبان جـاری کـرد کـه بـین مـا و علـی چیزی جز شمشیر قضاوت نخواهد کرد (ابن اعثم کوفی، ۵۲۰/۲). شـرحبیل بـه معاویـه پیشنهاد داد: اگر مرد رزم با علی و قاتلان عثمان باشی...، تـو را بـه فرمانـدهی منصـوب (ابن مزاحم منقری، ۸۰) و تا آخرین نفر با علـی مـی‌جنگـیم (ابـن اعـثم کـوفی، ٤٧٠). نکته‌ای که اینجا قابل تأمل و بررسی است اسـتناد شـرحبیل بـه شـهادت بزرگـان شـام مبنی‌بر قتل عثمان توسط علی علیه‌السلام است. وقتی کمی عقب‌تر برگردیم تعـدای از بزرگـان شهر حمص هم بر عکس این موضوع با شرحبیل گفتگو کردند و به شدت نقش امام را در ماجرای قتل عثمان انکار کرده بودند. چگونه شرحبیل شـهادت ابـن غـنم و عیـاض ثمالی را که عاری از حب و بغض بودند، نپذیرفت ولی بر گواهی دروغ شـامیان صـحه گذاشت؟ بدین‌سان شرحبیل در دایره هدف‌گذاری‌های معاویه برای گردآوری مردم شام جهت جنگ با امام علی علیه‌السلام به اتهام قتل عثمان قرار گرفت.

معاویه با فریب و اغوای یکی از ذی‌نفوذان شام با به کارگیری یـک سـرخط خبـری جعلی مبنی‌بر قتل عثمان توسط امام علی علیه‌السلام و تکرار آن توسط عوامـل تبلیغـاتی خـود توانست بزرگان و ذی‌نفوذان جامعه را با خـود همـراه کنـد. همـین الگـو حـالا توسـط حلقه‌های بعدی که همین بزرگان بودند برای زیردستان حلقه‌های بعـد تکـرار و بـه‌کـار گرفته شد. بسیج توده‌ها با شعاری دینی مبنی‌بر قصاص خون خلیفه سوم کـه معاویـه از

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.5]

او فرمان حکومت شام داشت. بنابراین معاویه با بی‌اعتبار کردن خلیفه جدید و اتهام به قتل خلیفه پیشین درصدد برآمد تا حکومت خود را همچنان مشروع جلوه دهد و مخالفتش با امام را که مبنی‌بر جاه‌طلبی شخصی بود، پشت اهداف دینی مانند خونخواهی از قتل خلیفه سوم بپوشاند. اکنون معاویه پرچمی افراشته بود که می‌توانست در زیر آن پیروانی را با انگیزه‌های مختلف مانند ادای وظیفه دینی و قصاص خون خلیفه سوم و یا به طمع ثروت و جاه و مقام جمع کند.

نقش شرحبیل در شورش اهالی شام علیه امام علی علیه‌السلام

معاویه پس از کسب نظر مساعد شرحبیل، با اشاره به ضرورت همراهی مردم در این نبرد، پیشنهاد نگارش نامه به شهرهای مختلف شام را مطرح کرد (دینوری، ۱۹۸). شرحبیل نگارش نامه را بی‌فایده و حضور مستقیمش را در بین مردم مؤثرتر دانست (ابن اعثم کوفی، ٤٨٦). معاویه به‌سبب تجربه و شم سیاسی، ضمن تأیید نظر شرحبیل، وی را ترغیب و تشویق کرد تا به شهرهای شام سفر (دینوری، ۱۹۸) و مردم را توجیه کند که «به‌راستی عثمان را علی کشته است و بر مسلمانان واجب است که از او خونخواهی کنند» (ابن مزاحم منقری، ۷۸) و از او خواست ضمن آگاه‌سازی مردم، از آنان برای همراهی با معاویه بیعت گیرد (دینوری، ۱۹۸). شرحبیل در راستای مأموریت محوله از سوی معاویه با حضور در مسجد جامع شهر حمص گفت: «ای مردم علی عثمان را کشته است و شمشیر بر دوش نهاده و گرداب‌های مرگ را می‌پیماید و می‌خواهد به شام بیاید». او برای کسب رضایت معاویه و یا به‌سبب دشمنی با جریر و یا انجام وظایف دینی کاری کرده بود که طوفانی از وقایع و حوادث تلخ بر در و دیوار شام می‌بارید. او در ادامه تأکید کرد «...کسی نیرومندتر از معاویه برای جنگ با علی نیست، اکنون به خونخواهی خلیفه مظلوم قیام کنید» (همان، ۱۹۸). مردم عوام به شدت تحت تأثیر سخنان وی قرار گرفتند و تنها گروهی از پارسایان شهر حمص که به راه و عملکرد معاویه باور نداشتند پاسخ منفی دادند (ابن مزاحم منقری، ۷۸). شرحبیل در راستای مأموریت محوله به برانگیختن مردم دیگر شهرهای شام پرداخت و همه را یکی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.5]

پس از دیگری گرد هم آورد. او به‌سبب سابقه و پیشینه نیکوی خانوادگی «بر هر قـومی درمی‌آمد سخن و نظرش را می‌پذیرفتند» (همان، ۷۸) و با آنان برای جنگ بـا علـی علیه‌السلام بیعت می‌گرفت (دینوری، ۱۹۸).

در آشفته بازار چنین بیعتی، افراد معدودی مانند أسود بـن عرفجـه نـه‌تنهـا از بیعـت خودداری ورزید بلکه علی بن ابی طالب علیه‌السلام را «برادر رسـول خـدا، وصـی او و وارث علم او دانست» (ابن اعـثم کـوفی، ٤٧٧). نجاشـی بـن حـارث، نیـز شـرحبیل را بـرای همراهی با معاویه و خونخواهی قتل خلیفه سوم نکوهش کرد و عزم او را نـه بـه‌سـبب حفظ دین بلکه به‌علت کینه‌ای که از قدیم الایام نسبت به جریـر بـن عبـدالله بجلـی در جریان پیکار قادسیه داشت مرتبط دانست (ابن حجر عسقلانی، ٢٦٧/٣؛ ابن اثیر، *کامـل*، ٤٢/١٠). بر همین اساس شرحبیل را به علت قضاوت ناصواب در خصوص قتل عثمـان توسط امام علی علیه‌السلام با توجه به عـدم حضـورش در صـحنه حادثـه سـرزنش و او را از جنگ و مقابله با امام پرهیز داد (ابن مزاحم منقـری، ۸۰). او بـا قـراین و شـواهد فـوق، موارد القایی به شرحبیل را به چالش کشاند. از طرفی دشمنی با جریر نیز بـه قـول ابـن غنم راه حل داشت، ماجرای قتل عثمـان هـم توسـط بزرگـانی ماننـد عیـاض ثمـالی و نجاشی بن حارث و ابن غنم به صراحت انکار شده‌است اما چرا شـرحبیل همچنـان در دفاع از منافع معاویه پایدار ماند؟ در حقیقت و نه در واقعیت، مسـئله‌ای ناگفتـه در ایـن میان وجود دارد که از راه روایات و این آثار و نقل قول‌ها نمی‌توان به آن دسـت یافـت. احتمالاً امری دنیوی و نفسانی به میدان آمده (همان، ٧٤) که در اینجا میدان‌داری کرده و مؤثر افتاده است. البته در گفتگوی جریر با شرحبیل به این موضوع اشاره شده‌است.

شرحبیل در مقابل جریر بن عبدالله بجلی

شرحبیل پس از آنکه مأموریت خود را برای گرد هم آوردن قبایل شام به پایان رسـاند، به منزل حصین بن نمیر رفت. حصین بن نمیر نیز زمینه ملاقـات شـرحبیل بـا جریـر بـن عبدالله بجلی را فراهم کرد. در این دیدار، شرحبیل با لحنی عناد آلود به جریـر گفـت «تـو پیشنهاد بی‌ارزشی به ما داده‌ای تا ما را به ورطه نابودی بکشانی و شام را بـا عـراق درگیـر

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.5]

کنی» (ابن مزاحم منقری، ٧٤). سپس همان اتهام‌های سابق را مبنی‌بر قتل عثمان توسط علی علیه‌السلام تکرار کرد (ابن اعثم کوفی، ٤٧٣) و جریر را به‌سبب ستایش امام سرزنش کرد و برای انجام تکلیف شرعی قسم خدا بر زبان جاری ساخت که در قیامت جریر را در محکمه الهی بازخواست نماید (ابن مزاحم منقری، ٧٤). جریر در مقابل مواضع ناروای شرحبیل چنین عکس‌العمل نشان داد: «امری که مهاجران و انصار جملگی بر آن اتفاق کرده و طلحه و زبیر را به‌خاطر طغیان و سرکشی علیه علی بن ابی طالب کشته‌اند چگونه مزخرف تواند بود»؟ (همان، ٧٤). شرحبیل بدون توجه به سفارش بزرگان مبنی‌بر عدم دخالت علی بن ابی طالب علیه‌السلام در قتل عثمان مکرراً می‌گفت «علی، عثمان را کشته است» (دینوری، ١٩٨). جریر ضمن نقد و ناروا دانستن قتل عثمان توسط امام به عدم یقین شرحبیل نسبت به این موضوع تأکید کرد (ابن مزاحم منقری، ٧٥) و اطلاعات، اخبار و قضاوت‌های شرحبیل را متأثر از دنیاگرایان و سخنان بیهوده و باطل عمرو بن عاص دانست (ابن اعثم کوفی، ٤٧٣). جریر تمام تلاش خود را به برای نجات شرحبیل انجام داد و ضمن بررسی راه‌های گوناگون احتمال داد دلیل مخالفت شرحبیل همان کینه شخصی مربوط به جنگ قادسیه در گذشته باشد. البته بزرگانی هم مانند ابن غنم (ابن مزاحم منقری، ٧٠) و نجاشی شاعر (ابن اثیر، *کامل*، ٤٢/١٠) اختلاف میان شرحبیل و جریر را قبلاً به شرحبیل گوشزد کرده بودند. جریر با زیرکی و با اشاره به این اختلاف، این راه را بر وی بست و خطاب به وی گفت: «تو به دنیا گراییده‌ای و چیزی از روزگار سعد بن ابی وقاص در دلت در خلجان است» (ابن مزاحم منقری، ٧٤).

سابقه این کدورت میان این دو به دوره خلیفه دوم برمی‌گردد زمانی‌که خلیفه دوم شُرحبیل را به عراق نزد سعد بن ابی وقاص فرستاد تا همراه او در نبرد قادسیه شرکت کند (ابن اثیر، *کامل*، ٤١/١٠). سعد او را گرامی داشت و شرحبیل یکی از نزدیکان و فرستادگان ایشان به دربار ساسانیان شد (مقدسی، ٨٥٠/٢). ارتقای موقعیت شُرحبیل پیش سعد، بر اشعث بن قیس گران آمد و رشک و حسد او را برانگیخت، زیرا هر دو از قبیله یمانی کنده و رقیب یکدیگر بودند (ابن اثیر، *کامل*، ٤١/١٠). اشعث به‌سبب رقابت قبیلگی و با توجه به ارتباط جریر با خلیفه، پیشنهاد داد تا او در نزد خلیفه مقام و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.5]

منزلت شرحبیل را پایین بیاورد. خلیفه دوم اوضاع و احوال سپاه را از جریر پرسید و او ضمن ستایش سعد، از شرحبیل بن سمط بدگویی کرد (همان، ٤١/١٠). گزارش جریر سبب شد خلیفه، شرحبیل را از عراق فراخوانده و وی را به سوی شام روانه کند (ابن حجر عسقلانی، ٢١٧/٣؛ ابن اثیر، *کامل*، ٤١/١٠؛ ابن خلدون، ٦٢٠). شرحبیل در شام به اعتبار پدرش جایگاه رفیعی به‌دست آورد (ذهبی، ٦٢١/٣). این امر سبب کینه شدید شُرحبیل نسبت به جریر بن عبدالله بجلی شده بود (ابن خلدون، ٦٢٠).

جریر با وجود تهدید معاویه، تلاش کرد تا شرحبیل را از همراهی با معاویه بازدارد و در نامه‌ای به‌صورت شعر، نیات شوم حاکم شام را برایش آشکارساخت (ابن مزاحم منقری، ٧٥). جریر در آن نامه شرحبیل را از پیروی از هوای نفس و تصمیم‌گیری عجولانه برحذر داشت و علی علیه‌السلام را از اتهام قتل عثمان تبرئه کرد و به شرحبیل گوشزد کرد که حق راه خودش را طی می‌کند و مخالفت و دشمنی شرحبیل بی‌تأثیر است. او سپس علی علیه‌السلام را گذشته از خویشاوندی نزدیک با پیامبر، وصی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نامید. در نهایت اشعار حماسی و خیرخواهانه جریر بر آهن سرد شرحبیل کارگر افتاد و او «به هراس افتاد» و دچار شک و تردید شد. معاویه همیشه درصدد بود تا نگذارد او تحت تأثیر حقایق قرار گیرد او را تحت نظارت قرار داد و اشخاص مورد اعتمادش را در کنارش گماشت و با گواهی باطل و تکرار همان سناریوی سابق، نظر او را برگرداند و عزمش را برای مقابله با امام علی علیه‌السلام جزم کرد (همان، ٧٧-٧٦). تلاش معاویه و همراهانش به ثمر نشست و شرحبیل دوباره در جاده گمراهی قرار گرفت. بعد از چرخش دوباره شرحبیل برخی از بستگان او، ضمن ستایش علی علیه‌السلام درصدد برآمدند تا او را از تصمیمش منصرف کنند. شرحبیل نه تنها تحت تأثیر نصایح قرار نگرفت؛ بلکه احساس کرد که در آخر عمری در طریق هدایت الهی قرار گرفته است (همان، ٧٧). در نهایت جریر بن عبدالله بجلی با عدم موفقیت در انجام مأموریت به کوفه برگشت و شرحبیل در معیت معاویه برای جنگ با علی بن ابی طالب علیه‌السلام رهسپار صفین شدند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.5]

نتیجه

معاویه برای بقای حکمرانی خود بر شام به انحراف افکار عمومی مردم شام همت گماشت. او سعی کرد تا با توجه به طایفی بودن جامعه شام، با فریب و تطمیع بزرگان قبیله و سرکردگان ایشان، آنها را با اهداف خود همراه کند. معاویه با مشاوره عمرو بن عاص برنامه دقیقی برای این کار پیاده کرد. مستمسک قرار دادن خونخواهی از قاتلان خلیفه سوم و انداختن قتل وی به گردن امام علی علیه‌السلام، شعاری شد که بزرگان و توده‌های ناآگاه شام به زودی با آن همراه شدند. در این میان شرحبیل بن سمط کندی به دلیل سابقه و جایگاه اجتماعی خود در قبیله کنده، همچنین به‌سبب نفوذ کلام و حسن سیرتی که در میان مردم شام داشت، شخصیتی تأثیرگذار به‌شمار می‌رفت. معاویه با مشورت عمرو بن عاص، با بهره‌گیری از صحنه‌سازی در خصوص قتل عثمان و القای این موضوع که امام در این واقعه دست داشته است، شرحبیل را به سوی خود جلب کرد. معاویه پس از آن از اعتبار و نفوذ شرحبیل برای آماده کردن مردم شام برای مقابله با امام علی علیه‌السلام بهره برد. شرحبیل به دلیل سادگی و عدم توجه به فریب معاویه و عمرو بن عاص تحت تأثیر تبلیغات دروغین گواهان مبنی‌بر قتل عثمان توسط امام قرار گرفت. البته ناخرسندی از جریر به‌سبب اختلافات و کدورت‌های قدیم و حسادت به موفقیت‌های احتمالی او در این مأموریت، در تصمیم‌گیری شرحبیل برای همراهی با معاویه مؤثر افتاد. در نهایت، شرحبیل با پذیرش ادعاهای دروغین معاویه و همراهی با او به ابزاری در دست معاویه برای مقابله با امام علی علیه‌السلام تبدیل شد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.5]

منابع

- ابن اثیر، عزالدین، أسدالغابه فی معرفه الصحابه، بیروت، دار الفکر، ۱۹۹۸/۱٤۰۹.
- _____، کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، علمی، ۱۳۷۱ش.
- ابن اعثم کوفی، محمد، الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تحقیق غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲ش.
- ابن حبان، محمد، الثقات، حیدرآباد، دائره المعارف العثمانیه، ۱۹۷۳/۱۳۹۳.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۵/۱٤۱۵.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، العبر و دیوان المبتداء والخبر، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳ش.
- ابن سعد، محمد بن سعد کاتب واقدی، طبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴ش.
- ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن، تاریخ دمشق، تحقیق عمرو بن غرامه العمروی، بیروت، دارالفکر، ۱٤۱۵.
- ابن مزاحم منقری، نصر، پیکار صفین، ترجمه پرویز اتابکی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰ش.
- بخاری، محمدبن اسماعیل، التاریخ الکبیر، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۱/۱٤۱۱.
- _____، التاریخ اوسط، حلب، دارالتراث، ۱۹۷۷.
- بلاذری، احمد بن یحیي، انساب الاشراف، تحقیق محمد باقر المحمودي، بیروت، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ۱۳۹٤/۱۹۷٤.
- _____، فتوح البلدان، ترجمه، محمد توکل، تهران، نقره، ۱۳۳۷ش.
- بیهقی، ابوبکر، السنن الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱٤۲٤.
- ثقفی کوفی، ابو اسحاق ابراهیم بن محمد، الغارات و شرح حال اعلام آن، ترجمه عزیز الله عطاردی، انتشارات عطارد، ۱۳۷۳ش.
- دهقانی، مهدی، «شرحبیل بن سمط کندی»، دانشنامه جهان اسلام، زیرنظر غلامعلی حداد عادل،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.5]

تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۹۸ش.
– دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نی، ۱۳۷۱ش.
– ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۹۹۳/۱٤۱۳.
– زرکلی، خیر الدین، الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۹/۱۳۹٦.
– زکي صفوت، أحمد، جمهره رسائل العرب، بیروت، المکتبه العلمیه، ۱۹۳۷.
– طبری، محمدبن جریر، تاریخ الرسل والملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دارالمعارف. ۱۹۲٦.
– مسعودی، أبوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجوهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷٤ش.
– مقدسی، مطهر بن طاهر، آفرینش و تاریخ، ترجمه محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران، آگه، ۱۳۷٤ش.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.52.5]